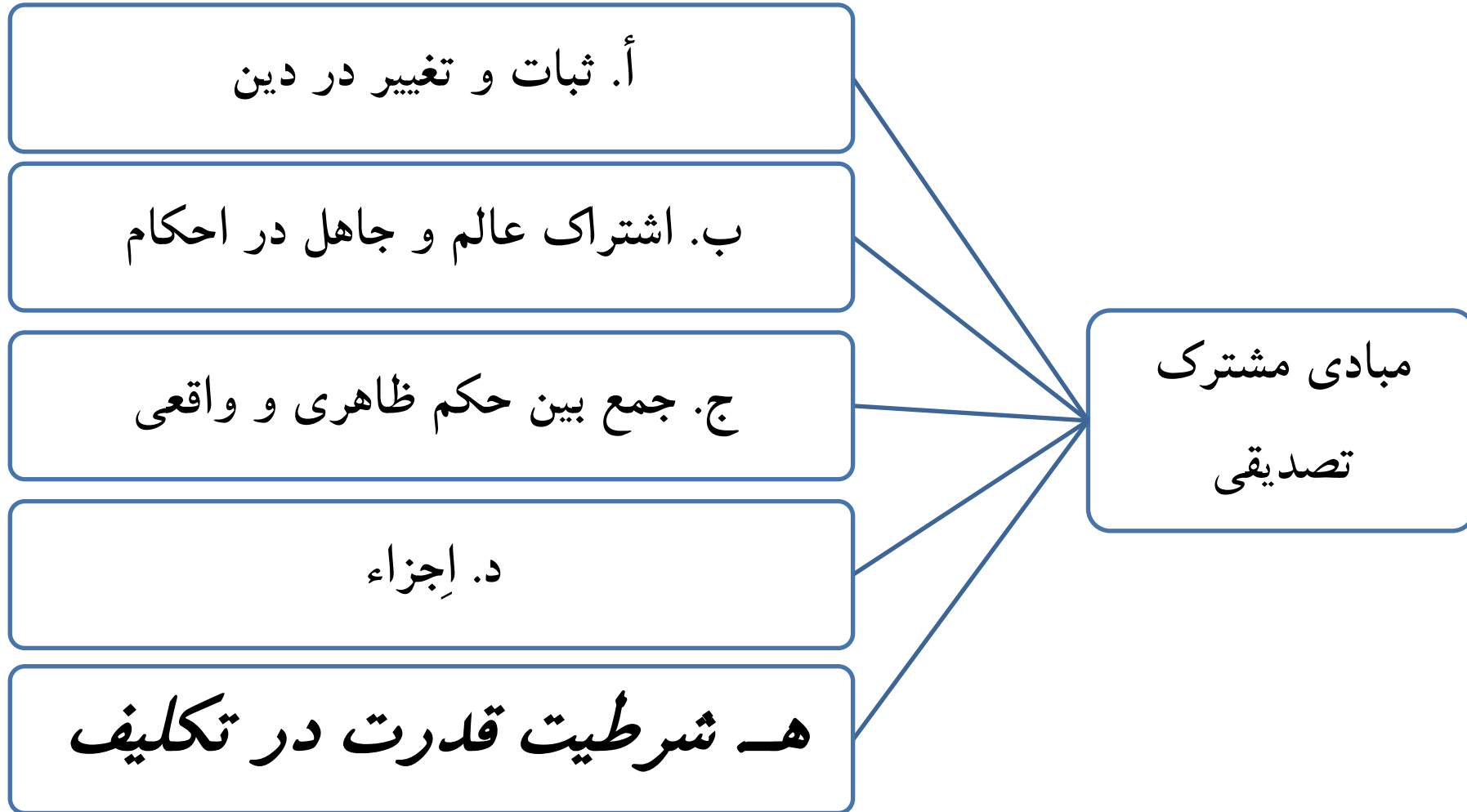


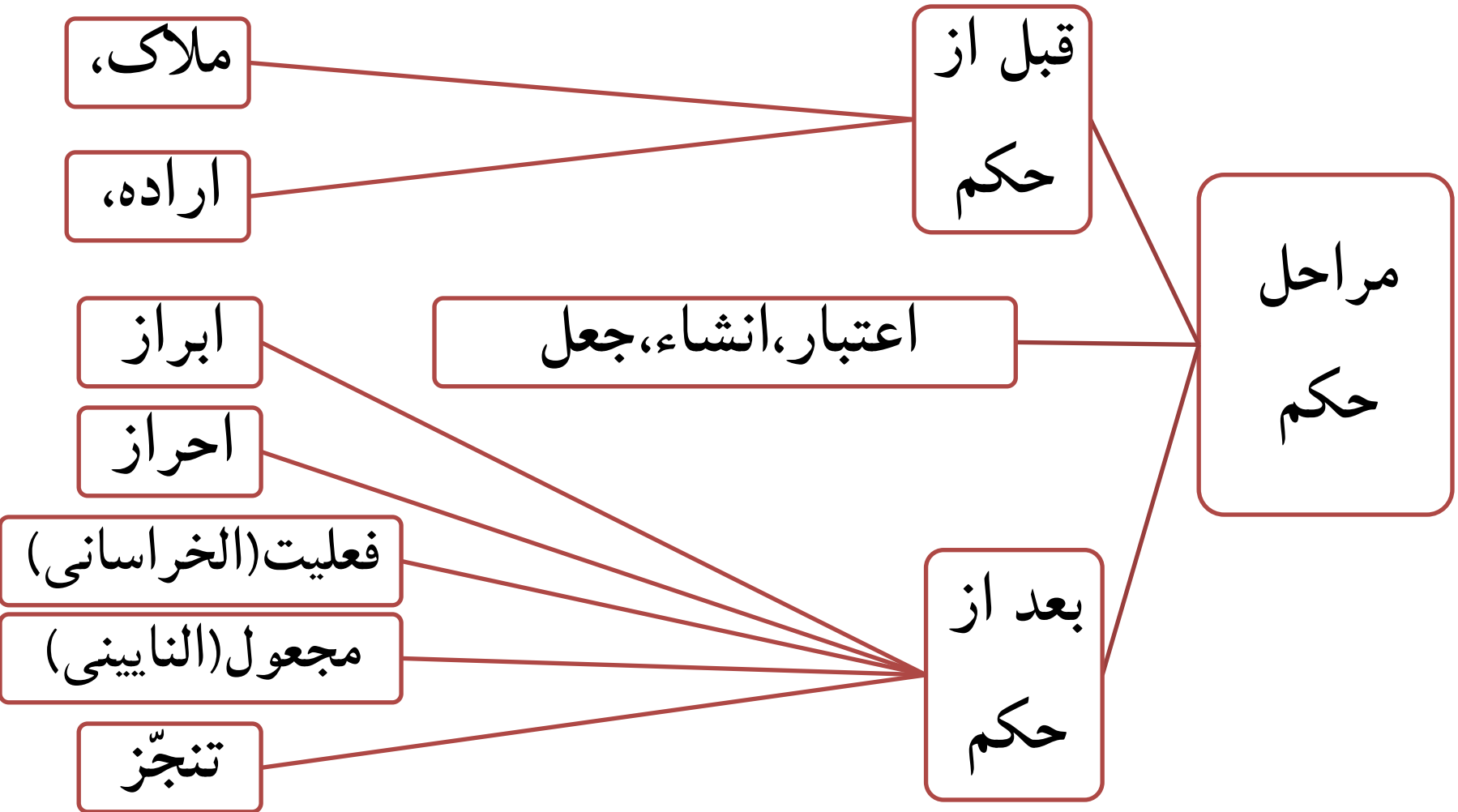
علم أصول الفقه

۱۲-۷-۹۰ مبادئ مشترک تصدیقی ۱۰

دراسات الاستاذ:
مهدي الهادي الطهراني



مراحل حکم



ثمره‌ی بحث قدرت

- در این موضوع دو بحث دیگر هم مطرح است:
- ۱. آنجا که فرد قدرت دارد اما در بقاء قدرت از او سلب می‌شود.
- ۲. آنجا که تکلیف دارای دو گونه فرد است، هم افراد مقذور دارد و هم افراد غیر مقذور.
-

أ. وجود قدرت حدوثاً و سلباً آن در بقاء

أ. مكلف با عصيان به نقطه‌ای می‌رسد که قدرت از او سلب می‌شود.

ب. مكلف خودش را عاجز نماید (تعجيز)

ج. بر مكلف عجز طاری و عارض شود.

مكلف حدوثاً قدرت بر تكليف دارد و در بقاء قدرت از او سلب می‌شود

أ. مكلف با عصیان به نقطه‌ای می‌رسد که قدرت از او سلب می‌شود.

ب. مكلف خودش را عاجز نماید (تعجیز)

أ. مكلف عالم به عامل سلب قدرت است، و با این حال فعل را تأخیر می‌اندازد.

ج. بر مكلف عجز طاری و عارض شود.

أ. مكلف جاهل به عامل سلب قدرت است.

مكلف حدوثاً
قدرت بر تكليف
دارد و در بقاء
قدرت از او سلب
می‌شود

ب. جامع بین مقدور و غیر مقدور

- تمامی آنچه گذشت در مورد تکالیفی است که تمام افراد «مکلف به» افراد غیر مقدور هستند. بحثی که الان داریم در مورد تکالیفی است که دو نوع فرد دارد.
- برخی از افراد تکلیف مقدور و برخی دیگر غیر مقدور هستند.
- از آنجا که در مجموعه، افراد مقدور هم وجود دارد، بدون شک تنجیز معنا دارد.
- بحث این است که جعل به چه شکلی ممکن است؟

ب. جامع بين مقدور و غير مقدور

أ. به نحو اطلاق

شمولی

ب. به نحو اطلاق

بدلی.

جعل

ب. جامع بین مقدور و غیر مقدور

- در این صورت برای جعل دو فرض متصور است:
- أ. جعل به نحو اطلاق شمولی
- ب. جعل به نحو اطلاق بدلی.
- مقصود از اولی این است که جعل تمام افراد مجعول را در برگیرد و مقصود از دومی این است که جعل یکی را به صورت نامعین شامل شود.
- این بحث بر اساس تعابیر مرحوم نائینی و ناظر به مقایسه‌ی اطلاق با عموم است. از این رو گفته‌اند: همان طور که عموم به دو قسم شمولی و بدلی تقسیم می‌شود اطلاق هم بر دو قسم است: شمولی و بدلی. اطلاق شمولی مثل عام شمولی است و اطلاق بدلی مثل عام بدلی. در عام شمولی از لفظ کل و در عام بدلی از لفظ ای استفاده می‌شود. اما در جای خود خواهیم گفت که این نوع طبقه‌بندی در باب اطلاق دقیق نیست و با یک تسامح همراه است.

ب. جامع بین مقذور و غیر مقذور

- اگر جعل به نحو اطلاق شمولی مورد نظر باشد، آن وقت مولی تمامی افراد را از عبد طلب کرده است؛ چه این افراد مقذور باشند چه نباشند. در حالی که مسلماً چنین چیزی ممکن نیست.
- اگر جعل حتی افراد غیر مقذور را هم در بر بگیرد، با حکمت عقلایی آن ناسازگار است. این بحث همانند مورد قبل نیست که قدرت حدوثاً محقق بود.
- در اینجا اصلاً از ابتدا نسبت به بعضی افراد قدرت وجود ندارد. پس جعل در مورد آنها هم معقول نیست. عبد نسبت به آنها تحریک نمی شود.

ب. جامع بین مقدور و غیر مقدور

- پس این مقدار مسلم است که اطلاق به نحو شمولی اصلاً درست نیست و با حکمت جعل هم سازگار نمی باشد.
- اما در مورد اطلاق به نحو بدلی باید دقت بیشتری نمود.

ب. جامع بین مقدور و غیر مقدور

- قبل از توضیح آن، یادآور می‌شویم که محل این بحث، مسأله‌ی اجتماع امر و نهی است و از آنجا که اصولی‌ها به طور مستقل به این بحث نپرداخته‌اند، آن را در لابه-لای بحث‌های اصولی خویش مطرح نموده و برخی از آنها این بحث را در همان مسأله‌ی اجتماع امر و نهی آورده‌اند.
- البته برخی دیگر آن را در بحث تراحم که با بحث اجتماع امر و نهی ارتباط دارد، مطرح کرده‌اند. مرحوم نائینی به تبع شیخ انصاری، این بحث را در مسأله‌ی اجتماع امر و نهی آورده است.

ب. جامع بین مقدور و غیر مقدور

- سئوالی که در آن بحث مطرح است، این است که تکلیفی مثل نماز، افرادی دارد که مقدور مکلف است و افرادی نیز دارد که مقدور مکلف نیست؛ مثل نماز در مکان غصبی که شارع از آن نهی کرده است.
- آیا ممکن است که مولی به جامع بین مقدور و غیر مقدور امر نماید؟

ب. جامع بین مقدور و غیر مقدور

- قدرتی که در اینجا مطرح است اگر چه در ابتدا قدرت عقلی را شامل می‌شود؛ ولی همان گونه که بعداً نیز خواهیم دید، با توسعه‌ای قدرت شرعی را نیز در بر می‌گیرد. یعنی ما به عنوان یک مبدء تصدیقی، قدرت عقلی را شرط تکلیف دانستیم و در بحث دیگری، قدرت شرعی را نیز اضافه خواهیم کرد.

ب. جامع بین مقدور و غیر مقدور

- بنابراین وقتی در این بحث از قدرت سخن می‌گوییم، فقط لازم نیست قدرت، تکوینی باشد. قدرت تشریحی هم می‌تواند شرط قرار گیرد. در مثال نماز، عقلاً شخص قادر بر نماز در خانه‌ی غصبی هست اما از نظر شرعی او قادر به نمازی که نهی دارد، نیست.
- حال اگر مولی خودش از عبد خواسته که فردی مثل نماز در خانه غصبی را اتیان نکند و قدرت را از او سلب نموده، آیا می‌تواند به همان فرد امر نماید؟
- همان گونه که گفتیم یقیناً به نحو اطلاق شمولی، چنین امری ممکن نیست. اما به نحو اطلاق بدلی، محل بحث است.

ب. جامع بین مقدور و غیر مقدور

- اگر جعل به نحو اطلاق بدلی ممکن باشد، آنچه مولی می خواهد اتیان یک فرد از افراد نماز است. مولی در این صورت خواهان تمامی افراد نیست. حال اگر مکلف، فرد غیر مقدور را اتیان کند، آیا تکلیف از او برداشته می شود؟

ب. جامع بین مقدور و غیر مقدور

- ثمره‌ی بحث هم در همین جا است. مسلماً اگر مکلف، فرد مقدور را انتخاب نماید و آن را اتیان کند، تکلیف از او برداشته می‌شود. اما اگر فرد غیر مقدور را اتیان کند، چطور؟
- اگر جعل به نحو اطلاق بدلی، شامل افراد غیر مقدور هم بشود، تکلیف ساقط می‌شود. اما اگر قایل شویم که جعل فقط افراد مقدور را در بر می‌گیرد، تکلیف ساقط نمی‌شود؛ چون عبد هنوز فردی از افراد مقدور را اتیان نکرده است و خطاب همچنان به حال خودش باقی است.

ب. جامع بین مقدور و غیر مقدور

- دو مبنا در اینجا مطرح شده است:
- مرحوم نائینی معتقد است که تکلیف به جامع بین افراد مقدور و غیر مقدور به نحو اطلاق بدلی ممکن نیست، تکلیف فقط افراد مقدور را شامل می‌شود و اصلاً افراد غیر مقدور را در بر نمی‌گیرد.

ب. جامع بین مقدور و غیر مقدور

نقطه‌ی مقابل این اعتقاد، فرمایش محقق کرکی است که می‌گوید: جامع بین افراد مقدور و غیر مقدور، مقدور است و تکلیف به جامع و به نحو بدلی تعلق گرفته است. بنابراین شامل افراد مقدور و غیر مقدور هر دو می‌شود.

ب. جامع بین مقدور و غیر مقدور

- باید توجه داشت که هم مرحوم نائینی و هم محقق کرکی هر دو قبول دارند که جامع بین مقدور و غیر مقدور، مقدور است.
- یعنی وقتی یک کلی، دارای افراد مقدور و افراد غیر مقدور باشد، می‌توان خود آن کلی را مقدور دانست.
- فرضاً اگر اکرام عالم، افرادی داشته باشد که برخی مقدور و برخی غیر مقدور باشند، در مقابل این سؤال که آیا اکرام عالم ممکن است یا خیر، جواب می‌دهیم که بله، چون برخی افراد آن مقدور است. همین قدر که برخی از افراد کلی مقدور باشد، می‌توانیم در مورد آن کلی بگوییم: آن کلی مقدور است.

ب. جامع بین مقدور و غیر مقدور

- برای این که این مطلب واضح تر شود، مثال دیگری می‌زنیم. فرض کنید مسافرت از قم به تهران، افراد متعددی دارد که برخی از آنها برای ما غیر مقدور است. مثلاً می‌توان با شتر، با اسب، با ماشین، با هواپیما، با هلیکوپتر، با دوچرخه و... به تهران رفت و می‌توان این مسیر را پیاده طی نمود. درعین حال که برخی از این افراد برای ما غیر مقدور است، مسافرت از قم به تهران مقدور می‌باشد. برخی از این افراد و حصص قابل تحقق است، پس ما می‌توانیم به تهران برویم.

ب. جامع بین مقدور و غیر مقدور

- با این وصف جامع بین مقدور و غیر مقدور، خود مقدور است و اختلاف مرحوم نائینی و مرحوم کرکی در این قسمت نیست.

ب. جامع بین مقدور و غیر مقدور

- تفاوت آرای آنها در چیز دیگری است.
- نظر مرحوم نائینی این است که تعلق تکلیف به نحو اطلاق بدلی، به گونه‌ای که شامل افراد غیر مقدور شود، ممکن نیست.
- تکلیف فقط به افرادی تعلق می‌گیرد که مقدورند و تعلق آن به افراد غیر مقدور حکمتی ندارد. وقتی حکمت نباشد، تکلیف آنها را شامل نمی‌شود.

ب. جامع بین مقدور و غیر مقدور

- از این رو وی در مورد کسی که در خانه‌ی غصبی نماز می‌گزارد، حکم به بطلان نماز می‌کند. در نظر او، نهی نسبت به غصب، این عمل را غیر مقدور می‌سازد و از آنجا که اطلاق به نحو بدلی شامل فرد غیر مقدور نیست، تکلیف انجام نشده است.

ب. جامع بین مقدور و غیر مقدور

- در مقابل مرحوم محقق کرکی نظر دیگری دارد. او معتقد است که وقتی تکلیف به جامع تعلق می‌گیرد، خصوصیات فرد در هنگام جعل ملاحظه نمی‌شود. و مولی به خصوصیات افراد مقدور یا غیر مقدور نظر ندارد.

ب. جامع بین مقدور و غیر مقدور

- اگر مولی رفتن به تهران را طلب می‌کند، خصوصیات افراد آن را که پیاده باشد یا سوار بر ماشین یا... لحاظ نمی‌کند.
- آنچه جعل شده یک کلی است که ممکن است برخی افراد آن هم غیر مقدور باشد.
- چیزی که حتماً در جعل دخالت دارد، مقدور بودن خود کلی است. جامع باید فی الجمله مقدور باشد که در فرض ما چنین است.

ب. جامع بین مقدور و غیر مقدور

- طبعاً در حالت متعارف مکلف از بین این افراد، مقدور را انتخاب می‌کند. اما افراد مقدور در خود جعل اخذ نشده است.
- از این رو اگر اتفاقاً فرد غیر مقدور را انجام داد، تکلیف از او ساقط می‌شود. چون قرار بود فردی از افراد کلی را محقق سازد و او چنین کرده است.
- اگر در امر مسافرت به تهران، شخص فرد غیر مقدور را انجام داد و به تهران رفت، تکلیف از او ساقط می‌شود. دیگر لازم نیست دوباره به قم بیاید و فرد مقدور را برای مسافرت انتخاب نماید.

ب. جامع بین مقدور و غیر مقدور

- محقق کرکی در مسأله‌ی نماز در خانه‌ی غصبی، بر اساس رأی خویش معتقد است اگر فرد نمی‌داند که در خانه‌ی غصبی نماز می‌خواند، نمازش صحیح است و نیازی به ادا در وقت یا قضا بعد از وقت نیست.

ب. جامع بین مقدور و غیر مقدور

- طرح جهل نسبت به غصب از آن رو است که در صورت علم، قصد قربت متمشی نمی‌شود و نماز از این جهت قطعاً باطل است. از این رو برای این که این مثال در اینجا قابل طرح باشد، فقها بحث علم و جهل را بیان نمودند.
- در مثال مسافرت به تهران، بحث علم و جهل مطرح نمی‌شود چون توصلی است و قصد قربت در آن مدخلیتی ندارد.

ب. جامع بین مقدور و غیر مقدور

- در کلام محقق کرکی وقتی سخن از عدم اخذ خصوصیات افراد تکلیف در جعل به میان می آید، مقصود خصوصیات نیست که به عنوان شرایط تکلیف یا شرایط مکلف به، مطرح است.

ب. جامع بین مقدور و غیر مقدور

- برخی شرایط در تکلیف دخالت دارد. قطعاً این شرایط و خصوصیات در جعل اخذ شده است. مثل این که شارع نماز را رو به قبله و با طهارت جعل نموده و در نماز ارکان و اذکاری قرار داده است. بحث وی در این شرایط نیست.
- بحث مرحوم محقق کرکی در مورد شرایطی است که در خود تکلیف اخذ نشده‌اند. در این صورت جعل بدون لحاظ خصوصیات صورت می‌گیرد.

ب. جامع بین مقدور و غیر مقدور

- بدیهی است اختلافی که بین مرحوم نائینی و محقق کرکی در این بحث وجود دارد، نیازمند توضیح بیشتری است. اما از آنجا که ما در این مقام نمی‌توانیم به توضیح دقیق «اطلاق» پردازیم و این مسأله ارتباط به آن بحث دارد، کلام بیشتر در این زمینه را به جای دیگری واگذار می‌کنیم.
- در آنجا اطلاق را که یک مسأله‌ی لفظی است توضیح می‌دهیم و به شرح بیشتر در مورد اختلاف این دو مبنا می‌پردازیم. بحث ما در اینجا فقط ثبوتی است و به این که دلیل، لفظی است یا لبی، کاری نداریم.

ب. جامع بین مقدور و غیر مقدور

- بنابراین بحث ما در اینجا با یک نحو ابهام روبه-رو است؛ ولی اگر آنچه در ذیل می‌آید، معلوم باشد، برای این قسمت کفایت می‌کند:

ب. جامع بین مقدور و غیر مقدور

- ۱. جامع بین مقدور و غیر مقدور، مقدور است.
- ۲. در صورتی که جامع مقدور باشد، جعل خطاب به نحو بدلی، معقول است.

ب. جامع بین مقدور و غیر مقدور

- ۳. در جعل حکم نسبت به جامع، خصوصیات افراد مقدور و یا غیر مقدور ملاحظه نشده است. پس خطاب شامل افراد غیر مقدور هم می شود.
- ۴. ثمره‌ی بحث در آنجا ظاهر می شود که مکلف، فرد غیر مقدور را به صورت اتفاقی، اتیان کند. از آنجا که خطاب، افراد غیر مقدور را نیز در بر می گیرد، خطاب ساقط می شود.

ب. جامع بین مقدور و غیر مقدور

- این بحث بر اساس تعابیر مرحوم نائینی و ناظر به مقایسه‌ی اطلاق با عموم است. از این رو گفته‌اند: همان طور که عموم به دو قسم شمولی و بدلی تقسیم می‌شود اطلاق هم بر دو قسم است: شمولی و بدلی. اطلاق شمولی مثل عام شمولی است و اطلاق بدلی مثل عام بدلی. در عام شمولی از لفظ کل و در عام بدلی از لفظ ای استفاده می‌شود. اما در جای خود خواهیم گفت که این نوع طبقه‌بندی در باب اطلاق دقیق نیست و با یک تسامح همراه است.
- ر.ک: شیخ مرتضی انصاری، مطارح الانظار، القول فی جواز اجتماع الامر و النهی فی شیء واحد.

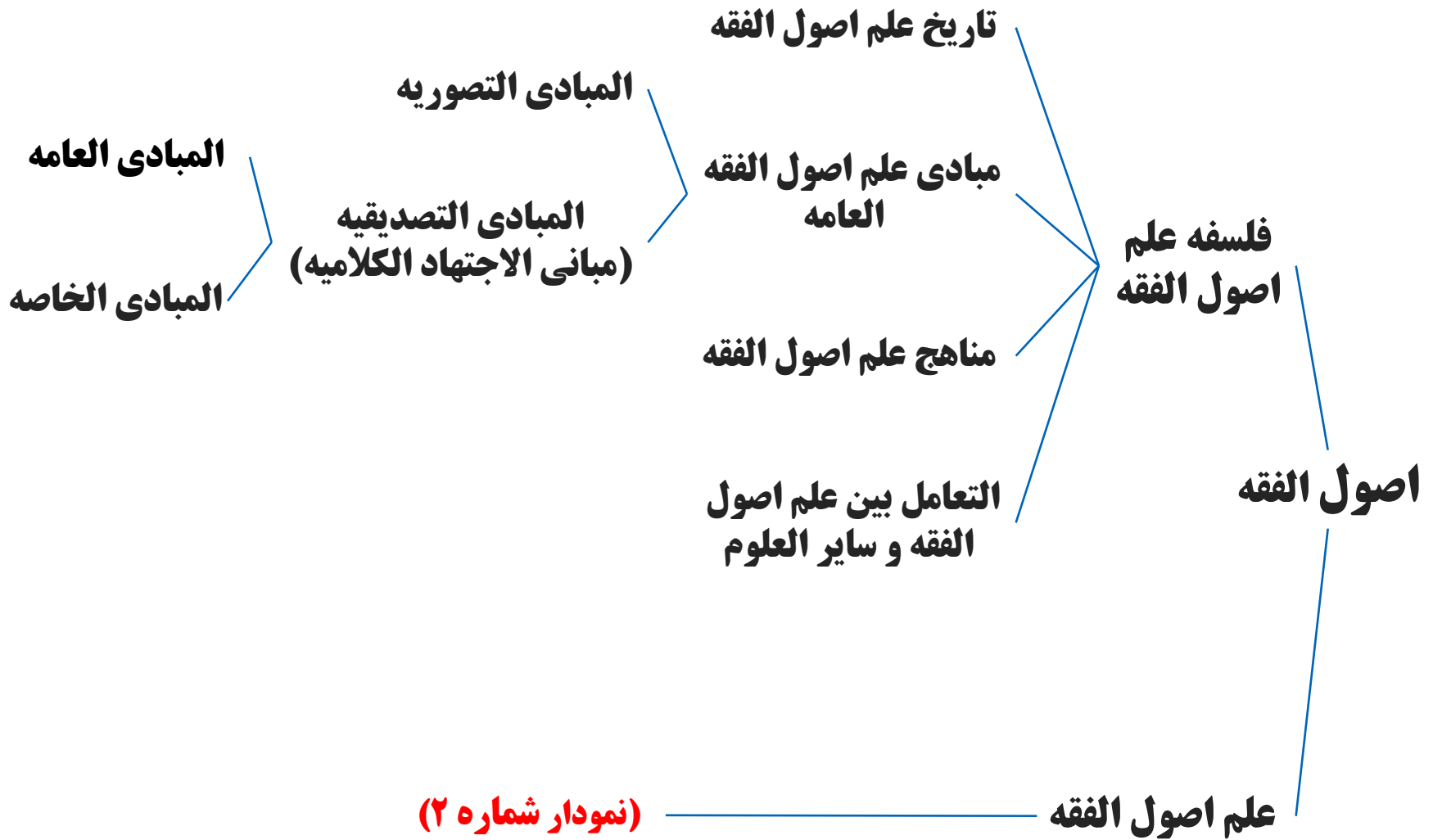
ب. جامع بین مقدور و غیر مقدور

- یادآور می‌شویم که در اینجا غیر مقدور تشریحی ملحق به غیر مقدور تکوینی است.
- اگر جعل به نحو اطلاق شمولی بود، می‌توانستیم با تسامح بگوییم که نمی‌تواند افراد غیر مقدور را در برگیرد. زیرا در شمول، تمامی افراد مورد نظرند و برخی از این افراد غیر مقدورند و جعل، افراد غیر مقدور را در بر نمی‌گیرد. اما در اینجا اطلاق به نحو بدلی است. چون خصوصیات افراد لحاظ نشده، فرد غیر مقدور هم مشمول حکم است.

ب. جامع بین مقدور و غیر مقدور

- در مسأله‌ی تراحم و اجتماع امر و نهی به این بحث‌ها می‌پردازیم که آیا قدرت قابل توسعه است و قدرت تشریحی می‌تواند به قدرت تکوینی ملحق شود؟ آیا اجتماع امر و نهی از موارد تراحم است یا از موارد تعارض؟ اگر از موارد تعارض است به چه شکل خواهد بود؟ تمامی این بحث‌ها را در خود علم اصول مطرح می‌کنیم.

(نمودار شماره ۱)



(نمودار شماره ۲)

علم أصول الفقه